

بسم الله الرحمن الرحيم

646

۵

۱

۲۴۰

بوستان کتاب

WWW.KETAB.IR

تقدیم به:

* جناب آقای دکتر محمود صفری معلم خوبم و ریاست محترم دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند به جهت تشویق و ترغیب اینجانب در ادامه‌ی تحصیل.

* برادر و دوست مهربانم جناب دکتر حجت مداحی معاون محترم دانشجویی و فرهنگی واحد مذکور بابت همه حمایت‌ها و راهنمایی‌های دلسوزانه که بسیار راهگشا بود.

* استاد فرهیخته و معلم اخلاق، سرکار خانم دکتر مریم افشاری عضو هیأت علمی دانشگاه که حقیقتاً مصداق مادر مهربان و دلسوز برای همه دانشجویان است به لحاظ تشویق‌های اثرگذارشان و محبت‌های بی‌دریغ.

* استاد ارجمندم جناب آقای دکتر صمد زاهد پاشا نائب رئیس کانون وکلای مرکز که از ایشان، ادب و تواضع مثال‌زدنی آموختم.

* استاد عزیز و بهتر از جانم جناب آقای دکتر حمیدرضا شیرازی که مصداق «حریص»
علیکم بالمؤمنین... است. خلوت و دلسوزی و قدرت تدریس و انتقال که حقیقتاً تأثیرگذار است.

* استاد پیشکسوت عرصه حقوق و رزمنده قدیمی جناب آقای دکتر محمدرضا دهقانی
سانچ بابت همه خوبی‌هایش - علم و تواضع و ادب -.

* استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمد حسین دری از چهره‌های علمی دانشگاه امام
صادق(ع) به لحاظ ایجاد انگیزه مطالعه و تحقیق در دانشجو.

* استاد بسیار خوبم سرکار خانم دکتر حدیثه تاجیک نشاطیه که از محضرشان بسیار
کسب فیض کردم و به حمایت و هدایت و ترغیب ایشان شروع به مقاله‌نویسی در
حقوق نموده‌ام.

* استاد دوست‌داشتنی و فرهیخته جناب آقای دکتر سیدحسن میرزا حسینی.

* استاد بزرگوار و اخلاق‌مدار مهدی اشراقی.

* برادر و دوست عزیزم دکتر هادی طالع خرسندی رییس مؤسسه خرسندی و انتشارات
وزین خرسندی به‌خاطر همه محبت‌ها و همراهی‌هایش.

* یکی از بهترین استادانم دکتر علیرضا نوبهار طهرانی که هرچه بگویم کم است.

- * استاد عزیزم و برادر بسیار خوبم محسن علیجانی.
- * استاد خوب و برادر عزیزم جناب عزت‌الله خانجانی.
- * استاد ارجمند و فرهیخته و متواضع یعقوب پاکیان.
- * استاد عزیز و مهربانم محمد یزدان مهر.
- * استاد فرهیخته دکتر محمد زرشکی.
- * استاد ارجمند و مکرمه سرکار خانم دکتر زهرا حاج امینی.
- * استاد متعهد و متخصص محمدا میر فتاحی بافقی.
- * استاد عزیز و گرامی‌ام دکتر جعفر فیروزی.

* استادان عزیز دیگر:

آقایان: مجتبی صدیق دماوندی؛ وحید نوری؛ ابوطالب مختاری؛ مجید نادى.
خانم‌ها: نعیمه سنقری؛ فاطمه دماوندی؛ مریم رنجبر.

نکته مهم:

شاید در عرف جامعه چنین موضوعی سابقه نداشته باشد. معمولاً کتاب تقدیم می‌شود به یکی از عزیزان یا ولی نعمت یا استاد؛ اما به لحاظ اینکه این مجموعه در چاپ اول با استقبال زیادی برخوردار شده است در چاپ دوم با اصلاحات، این رویه را انتخاب کرده‌ام که در جامعه امروز که قدرشناسی از معلم و استاد رو به افول است یا بسیار کم‌رنگ شده است از این طریق مراتب سپاس و تشکر و قدرشناسی خود را از همه معلمان و استادانم که حتی یک جلسه هم محضرشان تلمذ کرده‌ام ابراز کنم. شاید الگویی مناسب باشد.

دست‌بوس همه معلمان و استادانم

قاسم رضایی

سرشناسه: رضایی، قاسم، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: اعجاز بیان / قاسم رضایی.

مشخصات نشر: قم: فرشتگان فردا، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.

شابک ۷-۷۰-۸۷۲۳-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع: Oratory

موضوع: Lectures and lecturing

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۶۲٫۶ / ف ۱۲۹ / PN۴

رده‌بندی دیویی: ۵۱/۸۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۶۵۲۳۴

موضوع: سخنوری

موضوع: سخنرانی



اعجاز بیان

نویسنده: قاسم رضایی

ناشر: فرشتگان فردا

چاپخانه: مؤسسه بوستان کتاب

نوبت و سال چاپ: اول، ۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۷-۷۰-۸۷۲۳-۶۰۰-۹۷۸

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱۷۶۳۳۲۷۳۰ - ۰۹۱۲۷۵۱۱۲۴۵

حق چاپ محفوظ

اعجازیات

قاسم رضایی

فهرست مطالب:

مقدمه	۱۹
بلاغت در سخن	۲۱
طرق دستیابی به بلاغت	۲۴
یکم: رعایت مقتضای حال	۲۴
دوم: رعایت فرهنگ‌ها	۲۶
سوم: رعایت زمان سخن	۲۷
مبادی و علوم بایسته در سخنوری	۲۹
الف) خودکفایی ادبی	۳۰
ب) روان‌شناسی و خطابه	۳۰
ج) علم منطق	۳۲

- ۳۲..... یکم- برهان و قیاس منطقی
- ۳۲..... اقسام برهان
- ۳۳..... مقدمات برهان
- ۳۳..... الف) محسوسات:
- ۳۳..... ب) مجربات:
- ۳۴..... ج) اولیات:
- ۳۴..... د) متواترات:
- ۳۴..... ه) قضایای حامل قیاس:
- ۳۴..... و) حدسیات:
- ۳۵..... دوم: جدل و مناظره
- ۳۸..... اشتراک و امتیاز خطابه و جدل
- ۳۹..... جدل و مجادله چیست؟
- ۳۹..... علل احتیاج به جدل
- ۴۲..... شرایط مجادله
- ۴۲..... خطرهای مجادله
- ۴۵..... مشخصات نیکوترین جدال
- ۴۹..... فرق جدال و مرء
- ۵۳..... سوم - فن مغالطه
- ۵۴..... انواع مغالطه
- ۵۴..... ۱. مغالطه لفظی

۲. مغالطه در ترکیب الفاظ ۵۵
۳. مغالطه معنوی ۵۶
- مبادی خطابه چیست؟ ۵۷
- الف) مشهورات ۵۷
- مشهورات عظام ۵۸
- مشهورات غیرعظام ۵۹
- ب) مطنونات ۶۱
- ج) مقبولات ۶۱
- قیاس خطابی و انواع آن ۶۳
- قیاس تام چیست؟ ۶۳
- قیاس استقرایی ۶۴
- قیاس تمثیلی ۶۵
- قیاس دو حدی ۶۶
- قیاس مرکب ۶۶
- ابعاد و اجزای خطبه و سخن رانی ۶۸
- رکن اول: مقدمه ۶۹
- هدف از مقدمه ۶۹
- ویژگی‌های مقدمه ۶۹
۱. اقرب و انسب بودن مقدمه ۶۹
۲. مقدمه روشن ۷۱

۳. متّخذ از مسّلمات و فطریات ۷۲
۴. کوتاه و رسا ۷۴
- موارد لازم برای ذکر مقدمه ۷۴
- الف) سخنور مبعوض ۷۴
- ب) موضوع منفور ۷۵
- ج) طرح مسّاله تکراری ۷۶
- موارد غیر ضروری برای ذکر مقدمه ۷۷
۱. مستمع، بی‌صبرانه، منتظر اصل مطلب است ۷۷
۲. نداشتن وقت کافی ۷۷
۳. ضیافت های عمومی ۷۷
- ویژگی‌های صوری مقدمه ۷۸
۱. صلابت لفظ و معنا ۷۸
۲. رعایت اصل تناسب زمانی ۷۸
۳. پیراستگی از تذلل ۷۹
- انواع مقدمه ۸۰
- ۱- حمد و ستایش خدا و... ۸۰
- ۲- زمینه‌سازی برای طرح موضوع ۸۱
- ۳- براعت استهلال ۸۱
- ۴- شکل نقد به مقتضای حال ۸۲
- ۵- بیان اهمیّت موضوع خطابه ۸۳

۸۳.....	۶- آغاز مقدمه با شعر
۸۳.....	رکن دوم: عرض یا طرح موضوع سخن
۸۴.....	یکم - وحدت موضوع
۸۴.....	دوم - ترتیب منطقی
۸۴.....	سوم - وضوح معنی و جملات
۸۵.....	رکن سوم: تدلیل یا اقامه برهان
۸۶.....	رکن چهارم: خاتمه
۸۷.....	رکن پنجم: تقنید و ابزارهای آن
۹۰.....	فرق خطابه با مقوله‌های دیگر
۹۰.....	فرق خطابه و سخنرانی علمی (محاضره)
۹۳.....	فرق سخنرانی و مکالمه
۹۵.....	مشترکات مکالمه و سخنرانی
۹۵.....	سخنرانی رادیویی
۹۷.....	رابطه شاعر و سخنور
۹۹.....	تفاوت‌های شاعر و خطیب
۱۰۱.....	فرق خطابه با نویسندگی
۱۰۴.....	انشای نگارشی و خطابی
۱۰۶.....	فرق تدریس رایج و خطابه
۱۰۹.....	نکاتی در تقویت قدرت سخنوری
۱۱۴.....	مراحل

سخن گفتن در نگاه امام علی ۷.....	۱۱۶
اجزاء خطبه.....	۱۱۸
اعوان خطابه.....	۱۱۹
اعوان فنی.....	۱۱۹
استدراجات گوینده:.....	۱۱۹
وضع ظاهری.....	۱۲۰
استدراجات شنوندگان:.....	۱۲۱
استدراجات گفتار:.....	۱۲۱
شورانگیزی.....	۱۲۲
ابزارها و شرایط شورآفرینی.....	۱۲۳
یکم- حرارت عاطفی.....	۱۲۳
دوم - وجاهت اجتماعی و شهرت معنوی و علمی....	۱۲۳
سوم - نکته‌سنجی و موقع‌شناسی.....	۱۲۴
چهارم - آرام و تدریجی و مناسب.....	۱۲۴
پنجم - اعتدال و عقلانیت.....	۱۲۵
ششم - رعایت مقتضای حال و مقام.....	۱۲۵
هفتم - مناسبات گوینده و شنونده.....	۱۲۶
هشتم - در خط مستقیم حرکت کند.....	۱۲۶
کیفیت و ابزارهای شورانگیزی.....	۱۲۷
عوامل و ابزارها.....	۱۲۹

عامل یکم - تحریک روح لذت‌طلبی و راه‌های گریز از رنج‌ها و	۱۲۹
ناملایمات	۱۲۹
عامل دوم - تحریک احساسات مشترک گروهی	۱۲۹
شورانگیزی در قرآن	۱۳۰
چگونگی تنسیق و ترتیب سخن‌رانی	۱۳۲
اصول و روش تنظیم سخن‌رانی	۱۳۵
آداب سخن‌رانی	۱۴۱
اقدامات سازنده پیش از سخن‌رانی	۱۴۶
وضع محیط	۱۴۶
سخن‌سرایی	۱۴۷
عوامل هفت‌گانه سخن‌پیوندی	۱۵۱
یکم - مقدمه سخن:	۱۵۱
دوم - طرح موضوع:	۱۵۲
سوم - اقامه دلیل:	۱۵۴
چهارم - شواهد عینی و تاریخی:	۱۵۵
پنجم - تنفید و مناقشه آرای مخالف:	۱۵۶
ششم - شورآفرینی:	۱۵۶
هفتم - خاتمه یا فرود سخن:	۱۵۶
نکاتی در خاتمه	۱۵۸
انواع سخن‌رانی در زمان فعلی	۱۶۱

۱۶۱	اطلاع‌رسانی
۱۶۱	اقتناع بدون ترغیب
۱۶۲	ترغیب و تحریک
۱۶۲	تحکیم پیوندهای ملی
۱۶۳	خطب تفریحی
۱۶۴	سخن‌رانی در تودیع
۱۶۴	سخن‌رانی توجیهی
۱۶۵	انواع سخن‌رانی از دیدگاه ارسطو
۱۶۷	خطابه سیاسی چیست؟
۱۶۷	شرایط سخنور سیاسی
۱۷۱	ویژگی‌های خطابه سیاسی
۱۷۱	الف) تکیه بر احساس و خیال
۱۷۱	ب) تنوع در اسلوب
۱۷۱	ج) تعبیرات مبهم و چندپهلو
۱۷۲	د) استناد به قانون یا گفتار بزرگان
۱۷۲	ه) تکیه بر مقدمات اجتماعی
۱۷۳	خطبه قضایی
۱۷۴	اهداف خطابه قضایی
۱۷۶	خطبه کیفر خواست
۱۷۸	قضا در اسلام

سخنرانی وکیل مدافع	۱۷۸
مشخصه های وکیل مدافع	۱۷۹
شرایط خطبه دفاعیه	۱۸۰
خطابه رزمی	۱۸۳
اقسام خطبه های رزمی	۱۸۷
ویژگی های خطابه رزمی	۱۸۸
الف) شورآفرینی:	۱۸۸
ب) تشبیهات تجسم بخش:	۱۸۸
ج) جمله بندی های کوتاه و با صلابت:	۱۸۸
د) تشجیع و تقویت روحیه ها:	۱۸۸
خصوصیات سخنور نظامی	۱۸۸
خطب تحریضی:	۱۸۹
خطب تقریعی:	۱۸۹
خطب طلبی و توصیه ای و شفاعتی:	۱۸۹
خطب تشبیتی یا منافرات:	۱۹۰
خطب مشاجری یا مشاجرات:	۱۹۰
خطابه دینی: آسیب ها و موفقیت ها	۱۹۳
اهمیت تبلیغ در اسلام	۱۹۳
برتری های خطابه دینی	۱۹۳
اهداف تبلیغ دینی	۱۹۴

۱۹۹	شرایط خطیب دینی
۲۰۷	اقسام خطابه دینی
۲۰۷	یکم - خطابه جدلی
۲۰۸	دوم - خطابه تعلیماتی (آموزشی)
۲۰۹	سوم - خطابه برای تقویت ایمان
۲۱۱	آسیب‌های سخنوری
۲۱۱	آفات از ناحیه گوینده
۲۱۱	آفات برونی
۲۱۲	آفات درونی
۲۲۸	راز موفقیت در سخنرانی
۲۲۸	اول - تسلط کامل بر موضوع
۲۲۸	دوم - رعایت اصول سخن پیوندی
۲۲۹	سوم - تنوع و نوآوری و متناسب کردن با سلیقه مستمعان
۲۲۹	چهارم - روانی و سادگی و نشر زیبا
۲۲۹	پنجم - کوتاهی جملات
۲۲۹	ششم - درستی سخن
۲۲۹	هفتم - یکدست بودن
۲۲۹	هشتم - هم‌آهنگی آهنگ و محتوا با جنبه ظاهری
۲۲۹	نهم - توجه به زمان سخنرانی
۲۲۹	دهم - اشاره به منابع

۲۲۹		یازدهم- رعایت اصول اخلاقی در سخنرانی
۲۳۲		قواعد گفتگوی سازنده
۲۳۵		انواع دیگر سخن‌پردازی
۲۳۵		الف) روش مباحثه‌ای
۲۳۶		ب) گفتگوی دو نفری
۲۳۷		ج) شیوه سخن در سمینارها
۲۳۸		د) سخن‌جویی (سمپوزیوم)
۲۳۸		ه) میزگرد
۲۳۹		و) بحث رسمی
۲۳۹		ز) روش مناظره

مقدمه

بدون شک پرورش یک موضوع به تکرار جمله‌ها نیازمند است؛ ولی فصاحت اقتضا می‌کند که برای پرورش یک مفهوم از الفاظ مترادف و جملات گوناگون استفاده شود؛ مثلاً سخن‌گو می‌تواند از کلمات گزاف، عبث، لغو، پوچ، بی‌ثمر، بی‌اثر، بی‌نتیجه، بی‌فایده و بی‌راندمن که تقریباً همه‌ی آنها یک معنا را می‌رساند استفاده کند و بدون تکرار عین کلمات، یک مفهوم مشخص را با الفاظ مترادف برساند؛ یا درباره مفهوم «جنگ» لغات بسیاری وجود دارد؛ مانند نبرد، پیکار، درگیری نظامی، برخورد مسلحانه، جهاد با دشمن، ستیز، نبرد قهرآمیز و ..

سخنور لزومی ندارد واژه معینی را تکرار نماید و شنونده را خسته و آزرده سازد؛ بلکه لازم است از واژه‌های متنوع بهره‌برد و نشاط شنوندگان را حفظ کند و هنر خویش را به نمایش بگذارد؛ یا درباره مفهوم «اخلاق»، الفاظ گوناگونی وجود دارد؛ مانند سیئات اخلاقی، نکبات روحی، رذایل

باطنی، صفات حیوانی، مکارم نفسانی، ملکات باطنی، سجایای روانی، کمالات روحی، امیال عالی انسانی، صفات ملکوتی، امیال غیرانسانی، تمایلات حیوانی، ارزشهای الهی و ...
سعدی می گوید:

سخن گر چه دل بند و شیرین بود
سزاوار تصدیق و تحسین بود
چو یک بار گفتی مگو باز پس
که حلوا چو یک بار خوردند بس

پس خطیب فصیح کسی است که از نظر الفاظ و کلمات و جمله سازی، غنی و سرمایه کافی داشته و همواره به الفاظ و عبارات جالب، مجهز و مسلح باشد تا در تشریح یک مطلب و تفسیر یک موضوع، در جمله پردازی احساس کمبود و خلأ ننماید.

دومین آفت فصاحت، استفاده از عبارات نامأنوس و کلمات تنفرآور و گران آهنگ است که باید از آنها پرهیز نمود و سخنور با کلمات روشن و گویا و با بیانی روان و عباراتی دل نشین، موضوع را تبیین نماید نه با تکلف و مشقت و نه به صورت کلمات نامفهوم و مغلق، که به جای روشن شدن بر پیچیدگی و ابهام موضوع افزوده شود.

پس، لفظ و عبارت از خشونت و گرانی به دور باشد و به آسانی بر زبان جاری شود و همچنین باید با گوش شنونده مأنوس و با روحش سازگار باشد.

سومین آفت، تعقید و به کارگیری تعبیرهای مبهم و چند پهل و کنایاتی است که از قلمرو فهم عمومی به دور است. خطیب نباید از الفاظ مشترک و مجازهای غیر مشهور استفاده کند و در نهایت، افراط در کنایه و

مجمل گویی، خطابه را پیچیده و نامفهوم می سازد و طبعاً مستمع، خسته و افسرده خواهد شد و از موجبات ابهام و پیچیدگی سخن، طولانی بودن جملات و عبارات است، زیرا جمله بلند و کشدار، سخن را نامفهوم می سازد؛ مانند فاصله ممتد بین مبتدا و خبر به طوری که شنونده تا به خبر توجه کند، مبتدا را فراموش می نماید.

امام علی علیه السلام فرمود: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا لَا تَمَجُّهُ الْأَذَانُ وَلَا يَتَعَبُ فَهْمُهُ الْأَفْهَامُ»؛ بهترین کلام آن است که گوش ها را به هنگام شنیدن بی رغبت نسازد و فهم ها را به مشقت نیندازد. [غررالحکم: ۳۳۷۱].

یکی دیگر از عوامل تعقید، پیچیدگی و پراکنده گویی و آوردن جمله های معترضه است.

زیادت الفاظ بر معانی نیز از اسباب تعقید است. لفظ باید قالب معنا باشد؛ همان گونه که کفش و لباس به تناسب پا و اندام تهیه و دوخته می شود که اگر کوچک تر و یا بزرگ تر باشد، موجبات ناراحتی انسان را فراهم می سازد، معانی نیز باید در بهترین و کوتاه ترین عبارات و قالب ها بیان شود.

چهارمین آفت فصاحت، استفاده از کلمات زشت و خلاف عفت و اخلاق است. پیشوای سخن علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَ مَا يُسْتَهْجَنُ مِنَ الْكَلَامِ؛ فَإِنَّهُ يَحْسِبُ عَلَيْكَ النَّامُ وَ يُنْفَرُ عَنْكَ الْكِرَامُ»؛ از سخنان زشت بپرهیز که وقاحت در گفتار فرومایگان را در اطرافت نگه می دارد و عناصر شریف و بزرگواری را از اطرافت پراکنده می سازد [غررالحکم: ۲۷۲۲].

بلاغت در سخن

کمتر سخنران و خطیبی است که به دلیل زیبا سخن نگفتن، شکست

خورده باشد. ولی بسیاری از سخنوران برای عدم توجه به موازین بلاغت، شکست خورده‌اند. بدین جهت، آشنایی با «علم بلاغت» برای سخنور ضروری است.

«بلاغت» در لغت به معنای رسانیدن به مقصود و به انتهای کار قدم نهادن است و «بلوغ» نیز - که از همین ماده اشتقاق یافته است - یعنی بچه‌ای که به حد نهایی کودکی رسیده و طبعاً بالغ شده و باید مسئولیت‌هایی را بپذیرد.

در اصطلاح به کسی بلیغ می‌گویند که در قالب عباراتی کوتاه، معانی بلند و آموزنده را بگنجاند. بلاغت می‌تواند دور از نزدیک و نزدیک را ظاهر سازد. سخنور بلیغ، سخن‌پردازی است که آفرینش گفتار او بر ذوق فطری، تمرین و ممارست، آشنایی با گفتار و افکار بزرگان استوار باشد.

بعضی گفته‌اند: بلاغت، اندیشه استوار و حسن تعبیر و قدرت تعبیر است. برای بلاغت، تعاریف دیگری نیز ذکر کرده‌اند که بیشتر به آثار و علایم بلاغت ارتباط پیدا می‌کند نه تعریف آن. به عنوان مثال گفته‌اند: **«البلاغة مطابقة الكلام لمقتضى الحال».**

بعضی گفته‌اند: انطباق سخن با مقتضیات حال و مقام از آثار بلاغت است نه عین بلاغت. بلاغت حقیقی آن است که گوینده نگوید مگر آن چه خردمند باید و چنان بگوید که مقصود حاصل و کلامش به مقتضای حال باشد که در نتیجه هم عقل را خرسند و هم دل را مسخر سازد.

گروهی معتقدند از آن جایی که بلاغت وسیله اقناع و ترغیب است، اولین شرط آن است که گوینده به گفتارش ایمان داشته باشد تا در شنونده اثر بگذارد؛ زیرا شورا فکنی در دل‌ها ممکن نیست مگر از کسی که شوری در سر و سوزی در دل داشته باشد. به قول شاعر:

سخن کز دل برآید

لا جرم بر دل نشیند

اقتناع، کار معلم و حکیم است و ترغیب کار خطیب. پس سخنور باید حکیم و خطیب باشد.

الهی سینه‌ای ده آتش افروز

در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست

دل افسرده غیر از آب و گل نیست

دل پر شعله گردان سینه پر دود

زبانم را به گفتن آتش آلود